

نقد و بررسی

آشنایی با صنعت چاپ از حروفچینی تا صحافی نام کتابی است که سال گذشته (۱۳۸۱) توسط آقای اسماعیل دمیرچی تألیف و توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بار اول چاپ و منتشر شد. کتاب در قطع ۲۱×۲۸ سانتیمتر (رحلی) با کاغذ تحریر و چاپ تمام رنگی و با عکسهای فراوان در زمینه‌های مختلف و مراحل گوناگون مربوط به صنعت چاپ با جلد رنگی و سلفون چاپ شده است. این اولی کتابی است که در این زمینه و به این شکل عرضه می‌شود. نویسنده در صفحات اولیه، منابع استفاده شده را آورده و در ابتدای هر فصل نیز منابعی را برای مطالعه بیشتر پیشنهاد کرده است. معرفی منابع جدید نشان می‌دهد پیش از این و در سالهای گذشته کتابها و مقالات فراوانی در حوزه چاپ و نشر در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. قدیمی‌ترین منبع پیشنهاد شده نوشته منوچهر پسیان و به نام چاپ و چاپخانه در سال ۱۳۴۳ می‌باشد که متعاقب آن تا سال ۸۰ و در فصلهای مختلف منابع دیگری معرفی می‌شوند که به نظر می‌رسد بهترین کار ممکن در این کتاب باشد. نویسنده که خود سالها در صنعت چاپ و نشر و عرصه‌های وابسته به آن کار کرده است، درحقیقت تجربیات خود را بسیار صمیمی و با خلوص نیت ارایه داده و هر آنچه می‌دانسته در حد کفایت عرضه کرده است.

مروری بر متن اولیه کتاب که نویسنده عنوان «به بهانه مقدمه» را روی آن نهاده نشان می‌دهد که مؤلف در حوزه‌های تئوریک کمتر کار کرده و در حقیقت بیشتر «مرد عمل» بوده است.

همانطور که در مقدمه اشاره شده، ساختار کلی کتاب از نثری به نام «گاما» و با عنوان out about printing australia 1965 Gama Finding اخذ شده است که به عنوان تکلیف درس پسر نویسنده مورد توجه پدر واقع شده و با اضافه کردن سایر مطالب به صورت کتاب مورد بحث درآمد است. آقای دمیرچی که پیشکسوتی در این زمینه است حرفهای زیادی برای گفتن دارد و در لابه‌لای «به بهانه مقدمه» گریزی به نحوه خرید دستگاه‌های چاپ زده است و دلسوزی و گله‌مندی‌اش را از نمایندگان که برای خرید و ورود تکنولوژی از خارج به آنجا سفر می‌کنند ابراز داشته است؛ و درحقیقت معتقد است در این رشته افراد متبحر و دلسوخته‌ای وجود دارند که می‌بایست از وجود و تخصص ایشان در این مورد استفاده‌های بیشتری شود؛ و به این نکته اشاره دارد که «صنعت چاپ ایران خوشبختانه مدیران لایق متخصص و با تجربه در رشته‌های متنوع دارد و هم‌اکنون کارکنان فنی، استادکاران ماهر و افراد دانش‌اندوخته‌ای داریم که به راحتی افتخار صنعت چاپ کشور به حساب می‌آیند. گوهرهای گرانبهایی که کم‌تر از مشاوره آنها برخوردار می‌شویم...» اگرچه در این رشته افراد

○ محسن احتشامی

# از حروفچینی تا صحافی

باتجربه، متخصص و کهنه‌کاری وجود دارد که گاه کارهای چاپی مناسبی را به‌وجود می‌آورند، اما عمومیت آن قابل قبول نیست. کمتر طراح گرافیکی است که از کارهای چاپ شده‌اش کاملاً راضی باشد و تازه این مرحله از مقبولیت با حضور خود یا ناظر فنی چاپ امکان‌پذیر شده است. در شرایط معمولی هیچ طراح، دفتر گرافیک، آژانس تبلیغاتی، ناشر و یا به طور کلی سفارش‌دهنده معتبری وجود ندارد که با خیال راحت و اطمینان خاطر، پرورشور، لیبیل (برچسب)، پوستر، روی جلد یا حتی سرکاغذ تک‌رنگ خود را بدون واسطه به چاپخانه بفرستد؛ و به طور قطع اگر به دنبال کار مطلوب باشد همچنان ناراضی باقی

خواهد ماند. بحث چاپ و در اینجا فقط ماشین چاپ افست یکی از دغدغه‌ها و مشکلات اصلی طراحان در رابطه با سفارش و سفارش‌دهندگان می‌باشد. متأسفانه این «گوهرهای گرانبها» نتوانسته‌اند در رده‌های میانی بین طراح گرافیک (بخش ایده‌ها و آرت ورک‌ها) و ماشین‌چی چاپ (اجرا و انجام) پل واسطی ایجاد کند و این کمبود همچنان وجود دارد. طرح این مسئله و بحث پیرامون آن از چارچوب این مقاله خارج است و فرصت دیگری می‌طلبد.

در صفحه شماره ۱۲ تصویری می‌بینیم چهار رنگ و در قطع بزرگ که بدون هیچ توضیح و مناسبتی چاپ شده است. حتی از روی علاقه‌مندی و به عنوان یک معلم گرافیک فکر

کردم نوشته‌ای است، که درکی از آن هم ممکن نشد. به هر حال کتاب با فصل ۱ و با عنوان هنر چاپ شروع می‌شود. این فصل با سه عنوان کلی زیر شروع می‌شود «آیا می‌دانید که»، «فقط برای چند لحظه فکر کنید که» و «چند کار چاپی در اطراف خود مشاهده می‌کنید؟» با این عناوین در مورد اهمیت و اقتصاد صنعت چاپ، کاربردهای چاپ و فراوانی این صنعت در سه صفحه با سه تصویر بزرگ صحبت شده است. به عبارتی تمام متن فصل اول در یک صفحه جا می‌شود.

فصل دوم کتاب به تاریخ چاپ و کاغذ اختصاص دارد که نام از «چین تا گوتنبرگ... و تا امروز» به عنوان تیترا اصلی این فصل انتخاب شده است و عکسها و گراورهایی از تاریخچه صنعت چاپ آرایه شده و اشاره‌ای مختصر به روند تغییرات این رشته دارد.

یکی از مشکلاتی که در نوشتن مقالات و کتابهای راجع به صنعت چاپ به وقوع می‌پیوندد این است که: به دلیل جدایی‌ناپذیر

بودن مراحل یک کار چاپی تعریف هر بخش نیازمند اشاره به بخشهای دیگر می‌باشد، به خصوص زمانی که لازم است به بحث تاریخی آنها پرداخته شود. مثلاً اگر قرار باشد راجع به حروفچینی صحبت شود، تاریخچه، شیوه‌های ساخت حروف و حروفچینی و بقیه عوامل مطرح می‌شوند که در نتیجه و به اجبار به چاپ (بدون ورود به بخش چاپ) وارد می‌شویم. این تداخل گریبان کتاب مورد بحث را نیز گرفته است. نویسنده می‌توانست برای به سرانجام رسیدن بهتر کتاب این بخشها را به ترتیب مراحل عمل آنها آرایه کند. گرچه این کوشش تا حدود زیادی رعایت شده است؛ اما چون کتاب به قول نویسنده

مختصر و علمی است بهتر بود بحث کاغذ را پیش از اشاره به چاپ آرایه می‌داد و یا از تکرار بحث چاپ جلوگیری می‌کرد. در صفحات ۳۰ و ۳۱ کتاب که به شیوه تولید کاغذ پرداخته شده، در پایان مطلب چنین می‌خوانیم: «حدود ۷۰۰ سال پیش در یکی از شهرهای حوالی زنجان به نام «خونج» که به شهر «کاغذکنان» آوازه داشت، کاغذ ساخته می‌شد. آمارها نشان می‌دهد که میزان تولید کاغذ در دنیا رو به افزایش است».

خواننده مطلب از ۷۰۰ سال پیش و از حوالی زنجان به آمارهای جدیدی می‌رسد که مربوط به دو سال ۷۵ و ۷۶ شمسی است، اما آمارها مربوط به اروپا و آمریکا... است که به طور حتم می‌بایست تاریخ میلادی سالهای پایانی قرن بیستم را داشته باشند، شاید هم منبع تهیه‌کننده سه ماهه اختلاف را تفکیک، برآورد و اعلام کرده است.

فصل سوم کتاب به نام «رشته‌های پیش از چاپ» نامیده شده است؛ شاید مقصود نویسنده این باشد که هر یک از این اعمال (طراحی، حروفچینی، صفحه‌آرایی، عکاسی و مراحل تهیه فیلم و زینک) می‌توانند به عنوان رشته‌های جداگانه برای تحصیل و کار در نظر گرفته شوند. در اولین قسمت این فصل که طراحی و صفحه‌آرایی نام گرفته، بعضی خطاهای رایج و به کار گرفته شده در صنعت چاپ در لابه‌لای این مطالب آمده است. این بخش از آن قسمتهایی است که نویسنده به اصل کتاب افزوده است؛ چرا که منبع اولیه مربوط به سال ۱۹۶۵ میلادی و زمانی است که کامپیوترها و سیر حروفچینی طراحی و صفحه‌آرایی طراحان نبودند. مثالی که نویسنده برای این بخش آورده است (مراحل مختلف تولید یک مجله رنگی) با توضیح





روز زن آرایه شده است که استفاده مناسب از حروف را نشان می‌دهد که برخلاف متن ذکر شده (خواننده، خریدار)ی در کار نیست؛ مخاطب شهروندی بیننده است. در ادامه این بحث گفتنی است که در صفحه بعد عکسی معروف چاپ شده است که در سالهای نه‌چندان دور دیوار بعضی مغازه‌ها را آرایش می‌داد که تصویر دو مرد چاق شادمان و لاغر افسرده را نشان می‌داد و پائین آن نوشته شده بود «عاقبت تقدفروشی، عاقبت نسپیه‌فروشی» مؤلف این دو عکس را کنار هم و بدون متن آن چاپ کرده و کنار آن آورده است «این طرحی است که با قرار دادن دو تصویر در کنار هم بدون هیچ‌گونه توضیحی کاملاً گویاست». پس تکلیف تایپوگرافی و حروف و اهمیت ذکر شده چه می‌شود؟ به نظر می‌رسد بخشی از بی‌دقتی‌های وارد شده در کتاب به عهده ویراستار باشد، خود نویسنده هم به اهمیت ویراستار در همین بخش اشاره کرده است!

در بخش روش‌های مختلف حروفچینی در ابتدا دو تصویر آمده است، یکی از تصاویر گراوری قدیمی است که مردی در حال حروفچینی دستی را نشان می‌دهد و عین همین تصویر اما با حالتی کاریکاتوری نیز روبروی آن چاپ شده است که بی‌مناسبت به نظر می‌رسد در ادامه راجع به حروفچینی ماشینی و دستگاه حروفچینی سطرچین توضیح داده شده است، اما نویسنده که خود به طور قطع سالها با دستگاه «لاینو تایپ» کار کرده اشاره‌ای به این واژه و همچنین حروفچینی «مونوتایپ» ندارد. کتاب در ادامه بحث حروفچینی، توضیحاتی پیرامون حروفچینی نوری، نشر رومیزی و اسکن تصاویر آورده است. صفحه ۴۹ کتاب به مراحل عکاسی، کنترل کیفیت و تهیه زینک اختصاص دارد که علاوه بر توضیح راجع به شیوه‌های عکاسی از کارهای قابل چاپ و تفکیک آنها به رنگهای زرد، قرمز، آبی و مشکی اشاره‌ای دارد به سیستم جدیدتر تهیه فیلم چهار رنگ که دستگاه خروجی فیلم یا image setter است که در اینجا اسکنر

و کاربرد وسایل امروزی است. در صفحه ۳۵ کتاب می‌خوانیم «اما اگر نویسنده مطالب خود را روی یک دیسک رایانه‌ای وارد کرده باشد، دیگر نیازی به حروفچینی خیر نخواهد بود» جمله بالا سرشار از غلط است همچنین در جای دیگری از مطلب می‌خوانیم که طراح و صفحه‌آراست که تصمیم می‌گیرد حروف، اندازه و... را انتخاب کند واقعیت این است که برنامه‌های صفحه‌آرایی مجلات و روزنامه‌ها برنامه‌های پیشرفته‌ای هستند که نویسندگان در صورت در اختیار داشتن کامپیوتر از آن برنامه مطلع نیستند. حروفچینی این نوع برنامه‌ها در محیط‌های خاصی انجام می‌شود. ضمن اینکه قلم (فونت) قلم‌های خاصی مورد استفاده طراح و مجموعه مجله می‌باشد، عرض ستون‌های مطلب حروفچینی شده می‌بایست هماهنگ با صفحه و طرح مورد نظر در صفحه باشد، همچنین طراح به فرورفتگی مطالب، فاصله سطرها، سوتیترها، تیتراها و تزئینات و شیرین‌کاری‌هایی در صفحه دست می‌زند که هیچ‌گونه ربطی به نویسنده مقاله ندارد. اگر چه همه این اعمال از جانب طراح پیشنهاد می‌شود، اما مسئولیت و نظر اصلی راجع به صفحه با سردبیر یا عوامل اوست.

در جای دیگری می‌خوانیم: «برای موفقیت در هر کار چاپی، طراحی امری بسیار مهم و حیاتی است. در چاپ بیش‌تر از طراحی حروف (Graphic Design) استفاده می‌شود و گذشته از تغییر صورت حروف و شکل گرافیکی آن، هم‌خوانی حروف و تصاویر نیز نقش مهمی دارد تا بتوان در برخورد اول توجه خواننده و خریدار را جلب کرد.» تا جایی که می‌دانیم طراحی حروف را (تایپوگرافی (Typography) و Graphic design را (طراحی گرافیک) معنی کرده‌اند. به نظر می‌رسد مقصود از متن فوق این است که تایپوگرافی می‌تواند نقش مهمی در طراحی و متعاقب آن اثر چاپی داشته باشد. در بالای این نوشته هم پوستر اجتماعی به مناسبت



نامیده شده است گرچه عمل تفکیک رنگها به هر حال از طریق اسکن شدن انجام می‌شود اما دستگاه اصلی این کار ایمج‌ستر می‌باشد در ادامه آمده است «برای اطمینان از صحت و درستی رنگ‌ها یک نسخه از کار که به نمونه چهاررنگ معروف است تهیه شده، برای تأیید نزد سردبیر روزنامه یا مجله ارسال می‌شود» نویسنده توضیح نداده است این «یک نسخه» به چه شکل تهیه می‌شود. آیا مقصود تهیه اوزالید از ۴ فیلم نهایی است، یا پرینت Diysab که کار رنگی کامپیوتری را به شیوه معمول (RGB) بلکه با چهار رنگ (CMYK) پرینت و با ترام‌های اصلی نشان می‌دهد، یا شیوه جدیدتری از نمونه‌گیری قبل از چاپ، یا حتی یک نمونه‌گیری چاپی افسست با تیراژ پائین قبل از چاپ نهایی؟ در بخش دیگری از فصل چهارم اشاره به مرکب، انواع و شیوه‌های ساخت آن شده است و تیتیر بعدی، عنوان تکراری دیگری است به نام چاپ چیست؟ و به کاربردهای مختصر آن پرداخته است. نویسنده چنین می‌گوید: «چاپ بر تمامی جنبه‌های زندگی اثر دارد، خواه در خانه یا آموزشگاه و دانشگاه، خواه در کارگاه. در اداره در میهمانی‌ها یا حتی در اوقات فراغت و تفریح در سینماها و پارک. در هر جا شاهد تعدادی از کارهای چاپی هستیم، این‌ها چه چیزهایی هستند» خواننده هم حتماً خواهد گفت، همانطور که در کتاب گفته شده است اینها کارهای چاپی هستند!

در بخش بعدی کتاب، تیتیر اصلی «سبکهای گوناگون چاپ» است. خواننده باید احتمال دهد مقصود از «سبک» روش‌های چاپ است. به کارگیری این واژه در بحث تاریخ هنر هم با احتیاط‌های لازم انجام می‌شود.

در بخش مربوط به چاپ به شیوه انجام و گوناگونیهای روش‌های چاپ پرداخته شده و چاپ برجسته، لترپرس تخت، لترپرس دورانی، فلکسوگرافی، روتوگراور یا چاپ گود، چاپ حکاکی شده یا هلیو و چاپ هم‌سطح پرداخته شده است.

در قسمت یازدهم کتاب به نام چاپ و تکثیر، چاپ افسست به تفصیل توضیح داده شده و انواع ماشینهای آن با عکس و تفسیر آمده است. در ادامه همین بحث به چاپ سیلیک (چاپ دستی) پرداخته شده و کاربردهای آن توضیح داده شده است. گرچه چاپ سیلیک خود سهمی در کاربردهای امروزی دارد و روش‌های مختلف آن نامهای گوناگون نیز دارند، اما در این قسمت فقط اشاره‌ای کلی به این تکنیک شده است. در توضیح چاپ‌های لیزری به اجمال راجع به چاپ‌هایی صحبت شده است که در واقع در چاپخانه‌های جدیدی آماده می‌شوند و قابلیت و کاربرد فراوانی دارند. انواع مختلف چاپهای لیزری بسیار فراوان است، چرا که علاوه بر تنوع مواد مصرفی (رنگ) سطح چاپ‌شونده‌ها مانند کاغذ، پلاستیک، تورو... بسیار متنوع و گوناگون هستند که اشاره‌ای به این موارد نشده است.

فصل پنجم و فصل پایانی کتاب به آماده‌سازی بعد از چاپ مربوط می‌شود. در این قسمت مانند فصلهای پیشین منابعی برای مطالعه معرفی شده است و شیوه تا و ترتیب صحافی توضیح داده شده است. در این فصل به ماشینهای تا و ترتیب‌کن اشاره شده و همچنین صحافی سنتی و تصاویری از ابزارهای آن آمده است. چاپ برجسته و طلاکوب که بیشتر به جنبه‌های تزئینی می‌پردازد با روشی به همین شیوه چاپ شده و در کتاب آمده است. آخرین تیتیر کتاب مربوط به لامینشین یا رویه‌چسبانی است که البته به طور کامل توضیح داده نشده است و اشاره‌ای به روش‌های محافظت از کار چاپی مانند UV. UR (براق و مات) و سایر ورنی‌ها نشده و تنها اشاره‌ای به سلوفان دارد. کتاب بدون هیچ‌گونه نتیجه‌گیری یا چکیده‌ای در صفحه ۹۲ به پایان می‌رسد و در آخر کتاب نمایه الفبایی آمده است. کتاب در مجموع جزوه‌ای است قابل استفاده که امیدواریم در چاپ بعدی اصلاحات لازم و دقت بیشتری به عمل آید و خلاصه‌نویسی که خود نیز هنری است به شکل مطلوبتری رعایت شود.